

امیر المؤمنین علیه السلام  
در کلام  
حضرت سیدالشهدا علیه السلام

مؤلف: مهدی آقابابایی

سرشناسه	: آقابابایی، مهدی، ۱۳۶۳ -
عنوان و نام پدیدآور	: امیرالمؤمنین علیه السلام در کلام حضرت سیدالشهدا علیه السلام/مؤلف مهدی آقابابایی.
مشخصات نشر	: اصفهان: نورالحیات، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۴۰ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۷۳۴-۶۲۲-۲-۹
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ق.
موضوع	: Hosayn ibn 'Ali, Imam III, ۶۱۰-۶۲۵
موضوع	: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق.
موضوع	: 'Ali ibn abi-Talib, ۶۰-۶۶۱, Imam I,
رده بندی کنگره	: ۴/۴۱BP
رده بندی دیویی	: ۹۵۳/۳۹۷
شماره	: ۸۷۰۴۲۶۵
کتابشناسی ملی	
اطلاعات رکورد	: فیبا
کتابشناسی	

## شناسنامه کتاب

نام کتاب: امیرالمؤمنین علیه السلام در کلام حضرت سیدالشهدا علیه السلام

مؤلف: مهدی آقابابایی

انتشارات: نورالحیات

چاپ: اول - زمستان ۱۴۰۰ شمسی

قطع: رقعی / ۴۰ صفحه

صفحه آرایبی و حروف چینی: مهدی آقابابایی

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۷۳۴-۶۲۲-۲-۹

قیمت: ۱۵۰۰۰۰ ریال



اهداء:

به وجود مقدّس حضرت امير المؤمنين عليه السلام

و فرزند گرامیشان

سالار شهيدان حضرت اباعبدالله الحسين عليه السلام

## فهرست

- مقدمه ..... ۷
- مبارزات حضرت حسین بن علی علیه السلام قبل از دوران امامت ..... ۹
- در جبهه های نبرد با ناکثین و قاسطین ..... ۹
- دوران امامت امام حسین علیه السلام ..... ۱۰
- ۱: دشنام به امیرالمؤمنین علیه السلام ..... ۱۲
- ۲: پنهان ساختن فضائل اهل بیت علیهم السلام ..... ۱۴
- ۳: پرهیز از یاد کردن امام ..... ۱۴
- ۴: برخورد با شیعیان ..... ۱۵
- ۵: از بین بردن نیروهای متفکر ..... ۱۶
- الف: حُجر بن عُدی ..... ۱۶
- یادداشت امام حسین علیه السلام ..... ۱۶
- ب: عمرو بن حمق خزاعی ..... ۱۷
- ج: حضرمی و یارانش ..... ۱۸
- اعتراض امام حسین علیه السلام ..... ۱۸
- ۶: ویران کردن خانه های شیعیان ..... ۱۹
- ۷: محروم کردن شیعیان از بیت المال ..... ۱۹
- ۸: بیعت با یزید (مخالفت با ولیعهدی یزید) ..... ۱۹
- ۹: ضبط اموال مردم (بیت المال) ..... ۲۰
- امام حسین علیه السلام با معاویه بیعت نکرد ..... ۲۱
- سخنی با معاویه ..... ۲۱
- مبارزه امام حسین علیه السلام با مروان فرماندار معاویه در حجاز ..... ۲۲

سخنرانی کوبنده و افشاگرانه در کنگره عظیم حج و بیان فضائل	
حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) .....	۲۳
بخش نامه های معاویه .....	۲۴
ایراد خطبه در منی توسط امام حسین (علیه السلام) .....	۲۷
۱ : حدیث مواخاة .....	۲۹
۲ : حدیث سد ابواب .....	۲۹
۳: حدیث غدیر .....	۳۰
۴ : حدیث منزلت .....	۳۱
۵ : حدیث مباهله .....	۳۱
۶ : حدیث لوای خبیر .....	۳۲
۷ : ابلاغ سوره براءت .....	۳۲
۸ : علی صاحب اختیار هر مؤمن .....	۳۳
۹: سؤال و خلوت پیامبر و امیر المؤمنین (علیه السلام) .....	۳۳
۱۰ : علی بهترین اهل بیت (علیه السلام) .....	۳۴
۱۱ : سیادت پنج تن (علیهم السلام) .....	۳۴
۱۲ : غسل پیامبر به دست علی (علیه السلام) .....	۳۵
۱۳ : حدیث ثقلین .....	۳۵
۱۴ : آیات و احادیث مربوط به اهل بیت (علیهم السلام) .....	۳۶
منابع و مأخذ .....	۳۸
آثار دیگر مؤلف که به زیور طبع آراسته گردیده .....	۳۹

## مقدمه

امام حسین علیه السلام مدت شش سال از دوران کودکی خود را در زمان جد بزرگوارش سپری کرد و پس از شهادت آن بزرگوار، مدت سی سال در کنار پدر بزرگوارش امیرالمؤمنین علیه السلام زندگی کرد و در حوادث مهم دوران خلافت ایشان به صورت فعال شرکت داشت. پس از شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام (در سال ۴۰ هجری) مدت ده سال در صحنه سیاسی و اجتماعی در کنار برادر بزرگ خود امام حسن علیه السلام قرار داشت و پس از شهادت برادر بزرگوارش (در سال ۵۰ هجری) به مدت ده سال، در اوج قدرت معاویه بن ابی سفیان، بارها با وی پنجه در افکند و پس از مرگ وی نیز در برابر حکومت پسرش یزید قیام کرد و در محرم سال ۶۱ هجری در سرزمین کربلا به شهادت رسید. در این مقاله که به مناسبت یکهزار و چهارصدمین سال شهادت مولی الکونین، ابوالحسنین، سیدالعرب و العجم، امیرالمؤمنین علیه السلام، پیرامون مبارزات و دفاعیات حضرت سیدالشهدا علیه السلام از پدر بزرگوارشان مطالبی که در تاریخ آمده است تا آنجا که ما توانستیم و بررسی کردیم را می آوریم باشد که مورد قبول حضرت علی علیه السلام واقع گردد.

## ۸ / امیرالمؤمنین (علیه السلام) در کلام حضرت سیدالشهدا (علیه السلام)

این مقاله در فروردین ماه سال ۱۳۹۹ شمسی به مناسبت یکهزار و چهارصدمین سال شهادت مولی الموحدین حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در کتاب « امیرالمؤمنین (علیه السلام) در کلام چهارده معصوم (علیهم السلام) » منتشر گردید و اکنون به صورت کتابی مستقل در اختیار محبین حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) قرار می‌گیرد.

مهدی آقابابایی

فاطمیه ۱۴۰۰



## مبارزات حضرت حسین بن علی (علیه السلام) قبل از دوران امامت

حضرت امام حسین (علیه السلام) از دوران نوجوانی که شاهد انحراف دستگاه حکومت اسلامی از مسیر اصلی خود بود، از موضع گیری های سیاسی پدر خود پیروی و حمایت می کرد، چنانکه در زمان خلافت عمر بن خطاب، روزی وارد مسجد شد و دید عمر بر فراز منبر نشسته است، بادیدن این صحنه، بالای منبر رفت و به عمر گفت: از منبر پدرم پایین بیا و بالای منبر پدرت برو!

عمر که قافیه را باخته بود، گفت: پدرم منبر نداشت! آنگاه او را در کنار خود نشانید، و پس از آنکه از منبر پایین آمد، او را به منزل خود برد و پرسید: این سخن را چه کسی به تو یاد داده است؟  
حضرت پاسخ داد: هیچ کس!<sup>۱</sup>

## در جبهه های نبرد با ناکثین و قاسطین

حضرت در دوران خلافت پدرش، امیرالمؤمنین (علیه السلام) در کنار حضرت بود. او در هر سه جنگی که در این دوران برای پدر بزرگوارش پیش آمد، شرکت فعال داشت.<sup>۲</sup>

---

۱. سیره پیشوایان، ص ۱۴۴، به نقل از الاصابه، ج ۱، ص ۳۳۳.

۲. الاصابه، ابن حجر عسقلانی، ج ۱، ص ۳۳۳.

در جنگ جمل فرماندهی جناح چپ سپاه امیرالمؤمنین (علیه السلام) به عهده وی بود. در جنگ صفین، چه از راه سخنرانی‌های پرشور و تشویق یاران حضرت علی (علیه السلام) جهت شرکت در جنگ، و چه از رهگذر پیکار با قاسطین نقشی فعال داشت. در جریان حکمیت نیز یکی از شهود این ماجرا از طرف حضرت علی (علیه السلام) بود.<sup>۱</sup>

### دوران امامت امام حسین (علیه السلام)

در زمان امام حسین (علیه السلام) انحراف از اصول و موازین اسلام، که از «سقیفه» شروع شده و در زمان عثمان گسترش یافته بود، به اوج خود رسیده بود. در آن زمان معاویه که سال‌ها از سوی خلیفه دوم و سوم به عنوان استاندار در منطقه شام حکومت کرده و موقعیت خود را کاملاً تثبیت کرده بود، به نام خلیفه مسلمین سرنوشت و مقدرات کشور اسلامی را در دست گرفته حزب ضد اسلامی اموی را بر امت اسلام مسلط ساخته بود و به کمک عمال ستمگر و یغماگر خود مانند: زیاد بن ابیه، عمرو بن عاص، شمره بن جندب و .... حکومت سلطنتی استبدادی تشکیل داده، چهره اسلام را وارونه ساخته بود.

معاویه از یک سو، سیاست فشار سیاسی و اقتصادی را در مورد مسلمانان آزاده و راستین اعمال می‌کرد و با کشتار و قتل و شکنجه و آزار، و تحمیل فقر و گرسنگی بر آنان، از هرگونه اعتراض و جنبش و مخالفت جلوگیری می‌کرد، و از سوی دیگر، با احیای تبعیض‌های نژادی و رقابت‌های قبیله‌ای در میان قبائل، آنان را به جان هم می‌انداخت و از این رهگذر نیروهای آنان را تضعیف می‌کرد تا خطری از ناحیه آنان متوجه حکومت وی نگردد، و از سوی سوم، به کمک عوامل مزدور خود با جعل حدیث و تفسیر و تأویل آیات قرآن به نفع خود، افکار عمومی را تخدیر زده، و به حکومت خودش وجهه مشروع و مقبول می‌بخشید.

این سیاست ضد اسلامی، به اضافه عوامل دیگری همچون ترویج فرقه‌های باطل نظیر: جبریه و مرجئه که از نظر عقیدتی با سیاست معاویه همسو بودند، آثار شوم و مرگباری در جامعه به وجود آورده و سکوت تلخ و ذلتباری را بر جامعه حکمفرما ساخته بود.

در اثر این سیاست شوم، شخصیت جامعه اسلامی مسخ و ارزش‌ها دگرگون شده بود، به طوری که مسلمانان، با آنکه می‌دانستند اسلام هیچ وقت اجازه نمی‌دهد آنان مطیع زمامداران بیدادگری باشند که به نام دین بر آنها حکومت می‌کنند، با این حال بر اثر ترس و ناآگاهی، از

زمامداران ستمگر پشتیبانی می کردند. در اثر این سیاست، مسلمانان، بر خلاف منطق قرآن و تعالیم پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، تبدیل به افرادی ترسو، سازشکار، و ظاهرساز گشته بودند.

ولی با این وضعیت با مطالعه تاریخ می بینیم که حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) در برابر بدعت‌ها و بیدادگری‌های بی‌شمار معاویه نمی‌تواند سکوت نماید و تا آنجا که توان دارد، در برابر مظالم معاویه به مبارزه و مخالفت بر می‌خیزد که در این جا به جنایات معاویه که بعضی از سیاست‌های عوام‌فریبانه وی و فرعون مآبانه‌اش را در طی چهل سال حکومتش بر مسلمانان اشاره می‌کنیم و لازم به ذکر است که او برای طرح اجرای بعضی از این سیاست‌های خود از مشاور حیل‌گر مکاری همچون عمرو عاص بهره می‌برد که در اغفال مردم از شیطان درس‌های بزرگی گرفته بود و همچنین به مبارزات حضرت امام حسین (علیه السلام) می‌پردازیم:

### ۱: دشنام به امیرالمؤمنین (علیه السلام)

معاویه در دشمنی نسبت به حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) پیش رفت و دشنام و لعن آن حضرت را در مجالس عام و خاص، اعلام نمود و به همه عمال و والیانش دستور داد تا ناسزاگویی آن حضرت را در میان مردم انتشار دهند، دشنام به امام (علیه السلام) در همه مناطق جهان اسلام سرایت یافت.

معاویه خود در میان مردم شام به خطبه پرداخت و به آنها گفت: «ای مردم! رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به من گفت: بعد از من، تو به خلافت خواهی رسید، پس سرزمین مقدس (شام) را انتخاب کن که صالحان در آنجا هستند و من شما را برگزیدم [العیاذ بالله] پس ابوتراب را لعن کنید.

مردم شام هم به دشنام امام پرداختند. معاویه در میان آن وحشیان به خطبه پرداخت و به آنان گفت: «چه گمانی دارید در مورد مردی که - یعنی علی (علیه السلام) - که با برادرش عقیل نیکی نمی کند! ای مردم شام! ابولهب نکوهش شده در قرآن، عموی علی بن ابیطالب است.

مورخان می گویند: هرگاه معاویه خطبه می خواند، خطبه خود را با این گفته به پایان می برد: خداوندا! ابوتراب در دین تو الحاد ورزید! و از راه تو برگشته است، پس او را به سختی لعن کن و به عذابی دردناک گرفتار ساز.»

این کلمات را بر روی منبرها می گفتند.

معاویه با این کار می خواست که دل های مردم را از امام (علیه السلام) دور سازد و میان مردم و اصول آن حضرت فاصله بیندازد؛ اصولی که حتی در کاخ های معاویه، وی را تعقیب می نمود.

هنگامی که معاویه «مغیره بن شعبه» را به امارت کوفه منصوب ساخت، مهم ترین چیزی که به وی سفارش نمود این بود که در ناسزاگویی به

امام (علیه السلام) ، رحمت فرستادن بر عثمان، عیب جوئی یاران علی (علیه السلام) و دور ساختن آنها کوتاهی نماید، مغیره بن شعبه، هفت سال والی کوفه بود در این مدت مذمت حضرت علی (علیه السلام) ناسزاگویی به آن حضرت را رها نمود.

## ۲: پنهان ساختن فضائل اهل بیت (علیهم السلام)

معاویه با همه توانایی هایش تلاش کرد تا فضائل اهل بیت (علیهم السلام) را پنهان سازد و بزرگواری های آنان را از دید مسلمین دور سازد و از انتشار آنچه از پیامبر (صلی الله علیه و آله) در فضیلت آنها وارد شده بود ممانعت به عمل آورد.<sup>۱</sup>

## ۳: پرهیز از یاد کردن امام

حکومت اموی تا حد زیاد در ستیز با امیرالمؤمنین (علیه السلام) زیاده روی نمودند؛ زیرا دستور دادند تا هر نوزادی را که به نام «علی» نامیده شود به قتل برسانند.

مورخان می گویند: علما و محدثان ، از یاد کردن امام و نقل روایت از آن حضرت به خاصر ترس از بنی امیه، پرهیز داشتند و هرگاه

---

۱. زندگانی حضرت امام حسین (علیه السلام) ، شریف قرشی، ج ۲، ص ۲۱۱.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در کلام حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) / ۱۵

می‌خواستند مطلبی را از آن حضرت روایت کنند، می‌گفتند: پدر زینب روایت کرد.<sup>۱</sup>

#### ۴: برخورد با شیعیان

شیعیان در زمان معاویه در همه مناطق به طور رسمی مورد ستم واقع شدند و با شدت و خشونت فراوان رو به رو گشتند؛ زیرا معاویه، با قساوت از آنان انتقامی سخت گرفت و مرکز حکومتش را بر اجساد قربانیان آنان به پیش راند. چنانچه امام باقر (علیه السلام) نمونه‌های هولناکی از ستم امویان نسبت به شیعیان اهل بیت (علیهم السلام) را بیان کرده و می‌فرماید:

شیعیان ما در هر شهری کشته می‌شوند و دست‌ها و پاهاى آنان تنها به ظن و گمان بریده می‌شد، هر کس به دوستی و پیروی از ما یاد می‌شد، به زندان می‌افتاد و یا دارائیش غارت می‌شد و یا خانه‌اش ویران می‌گشت.<sup>۲</sup>

---

۱. زندگانی حضرت امام حسین (علیه السلام)، شریف قرشی، ج ۲، ص ۲۱۴.

۲. همان، ص ۲۱۶.

### ۵: از بین بردن نیروهای متفکر

معاویه، به نابودی نیروهای متفکر و اندیشمند شیعه پرداخت و گروهی از آنان را به میدان‌های اعدام روانه ساخت و سوگ و اندوه را در خانه‌هایشان حاکم ساخت که بعضی از آنان عبارتند از:

#### الف: حُجر بن عُدی

حُجر وقتی دید در نظام حاکم، دشنام به امیرالمؤمنین علیه السلام را آشکارا اعلام می‌کند و مردم را به براءت از آن حضرت مجبور می‌سازد، زبان به اعتراض گشود و آشکارا به حاکمان کوفه پاسخ داد. زیاد بن ابیه خونس را مباح اعلام نموده و او را همراه با گروهی از برادرانش به اسارت نزد معاویه فرستاد و آنان را در «مرج عذراء» متوقف ساختند تا اینکه فرمان اعدام آنها از دمشق صادر شد و آنها را به شهادت رساندند.

#### یادداشت امام حسین علیه السلام

امام حسین علیه السلام از دریافت خبر کشته شدن حجر، بسیار پریشان گشت و یادداشت شدیدالحنی برای معاویه فرستاد و در آن، جرایم و بدعت‌هایش را بر شمرد که از جمله کشتن حجر و یاران درستکار وی می‌باشد و در آن یادداشت آمده بود: «آیا تو قاتل حجر، برادر کنده و



نمازگزاران پارسایی که ظلم را نمی‌پسندیدند و بدعت‌ها را گناهی بزرگ می‌دانستند و در راه خدا از سرزنش هیچ سرزنش کننده‌ای نمی‌هراسیدند، نیستی... آنها را به ظلم و تعدی کشتی پس از آنکه سوگندهای سخت و پیمان‌های مؤکد به آنها سپردی که آنان را به خاطر حادثه‌ای که میان تو و آنان بوده و یا به کینه‌ای که در دل نسبت به آنها داشتی، به کیفر نرسانی...»

### ب: عمرو بن حمق خزاعی

امام حسین (علیه السلام) هنگام شنیدن خبر کشته شدن عمرو، به شدت متأثر گردید و یادداشتی برای معاویه فرستاد که در آن، جنایات وی را بر شمرد و ظلم و ستمی که امت در روزگار وی متحمل می‌شود را متذکر شد. در آن یادداشت در خصوص عمرو آمده بود:

«آیا تو قاتل عمرو بن حمق، یار رسول خدا آن عبد صالحی که عبادت او را نحیف ساخته، بدنش را رنجور گشته و رنگش زرد شده بود، نیستی، بعد از آنکه به او امان داده و از عهد و پیمان‌های خدا آن قدر به وی گفته بودی که اگر به پرنده‌ای می‌گفتی، از بالای کوه به

نزد تو فرود می‌آمد، سپس او را با گستاخی بر پروردگار و ناچیز شمردن آن پیمان، به قتل رساندی....»<sup>۱</sup>.

### ج: حضرمی و یارانش

وقتی که حضرمی که از شیعیان خالص امیرالمؤمنین (علیه السلام) بود با یارانش مظلومانه به شهادت رسیدند امام حسین (علیه السلام) از این خبر اندوهگین شدند با فرستادن یادداشتی بر معاویه اعتراض نمود.

### اعتراض امام حسین (علیه السلام)

در آن یادداشت آمده بود: «آیا تو قاتل حضرمی نبوده‌ای که زیاد به تو نوشته بود وی بر دین علی (علیه السلام) است و تو به وی نوشتی: هر کس را بر دین علی باشد به قتل برسان. و زیاد آنان را کشت و به دستور تو آنان را تکه تکه نمود. در حالی که دین علی (علیه السلام)، همان دین عموزاده‌اش صلوات الله علیه می‌باشد که تو را در این جایگاهی که در آن هستی نشانده است و اگر او نمی‌بود، شرافت تو و پدرانیت، تحمل سختی دو مسافرت می‌بود، سفر زمستان و سفر تابستان».

و ده‌ها نمونه دیگر که توسط معاویه و عمالش به شهادت رسیدند که تاریخ پر از اینگونه جنایات اوست.

---

۱. زندگانی حضرت امام حسین (علیه السلام)، شریف قرشی، ج ۲، ص ۲۲۲.

## ۶: ویران کردن خانه‌های شیعیان

### ۷: محروم کردن شیعیان از بیت المال

از فجایع اندوه‌باری که شیعیان در روزگار معاویه با آنها دست به گریبان بودند این بود که معاویه به همه عاملانش طی بخشنامه‌ای چنین نوشته بود: «بنگرید هر کس را که دلیل بر او باشد مبنی بر اینکه وی علی و اهل بیتش را دوست می‌دارد، نام او را از دیوان محو کنید و عطا و روزی او را ساقط نمایید.»

### ۸: بیعت با یزید (مخالفت با ولیعهدی یزید)

معاویه به انواع وسایل ددمشانه دست زد تا سلطنت را در خاندانش موروثی سازد.

از جمله آزادگان و مصلحان جهان اسلام، که ردّ قاطع خود را در مورد بیعت یزید اعلام نمودند و او را به عنوان حاکم مسلمانان نپذیرفتند حضرت امام حسین (علیه السلام) بود که یزید را حقیر شمرد و خوی‌های نکوهیده‌اش را نمی‌پسندید و او را به صاحب شراب و شکار، توصیف نمود و اینکه او به طاعت شیطان در آمده، طاعت رحمان را ترک نموده و فساد را ظاهر ساخته، حدود را تعطیل نموده و

به خود اختصاص داده ، حرام خدا را حلال و حلال او را حرام گردانیده است.<sup>۱</sup>

### ۹: ضبط اموال مردم (بیت المال)

کاروانی که از یمن که حامل مقداری از بیت المال بود، از طریق مدینه، رهسپار دمشق بود. امام حسین (علیه السلام) با اطلاع از این موضوع ، آن را ضبط کرد و در میان مستمندان بنی هاشم و دیگران تقسیم کرد و نامه‌ای بدین شرح به معاویه نوشت:

« کاروانی از یمن از اینجا عبور می کرد که حامل اموال و پارچه‌ها و عطریاتی برای تو بود تا آنها را به خزانه دمشق سرازیر کنی و به خویشانت که تاکنون شکم‌ها و جیب‌های خود را از بیت المال پرکرده‌اند، ببخشی، من نیاز به آن اموال داشتم، و آنها را ضبط کردم، و السلام!»  
معاویه از این اقدام سخت ناراحت شد و نامه‌تندی به امام نوشت.<sup>۲</sup>

بی شک این اقدام امام حسین (علیه السلام) یک گام آشکار در جهت نامشروع معرفی نمودن حکومت معاویه و مخالفت صریح با وی به

---

۱. زندگانی حضرت امام حسین (علیه السلام)، شریف قرشی، ج ۲، ص ۲۷۲.

۲. حیاة الامام الحسین بن علی، شریف القرشی، ج ۲، ص ۲۳۱.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در کلام حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) / ۲۱

شمار می‌رفت، و در آن شرایط هیچ کس جز آن حضرت، جرأت چنین کاری را نداشت.

### امام حسین (علیه السلام) با معاویه بیعت نکرد

ابن شهر آشوب روایت نموده: ... (بعد از صلح امام حسن (علیه السلام)) معاویه از امام حسین (علیه السلام) خواست تا با او بیعت کند. امام حسن (علیه السلام) فرمود: ای معاویه! حسین را مجبور نکن او هرگز بیعت نکند مگر آنکه کشته شود و هرگز کشته نشود مگر آنکه خاندانش کشته شوند و خاندانش کشته نشوند مگر آنکه شامیان کشته شوند.<sup>۱</sup>

### سخنی با معاویه

قاضی نورالله تستری می‌گوید: یک بار امام حسین (علیه السلام) در مجلس معاویه فرمود: «من فرزند آب آسمان و ریشه‌های خاک نمناکم، من فرزند کسی هستم که در بزرگواری برجسته، و در شرافت والا، و در نیک نام بر همه اهل دنیا سرور است. من فرزند کسی هستم که خشنودی او خشنودی خدای رحمان و خشم او خشم خدای رحمان است».

---

۱. بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۵۷، فرهنگ سخنان امام حسین (علیه السلام) ص ۲۴۲، البته امام حسین (علیه السلام) به پیمان صلحی که بین امام حسن و معاویه نوشته شد احترام می‌گذاشت.

سپس رو به معاویه کرد و فرمود: آیا پدر تو، همچون پدر من است؟ آیا پیشینه تو همچون پیشینه من است؟ اگر بگویی: نه، شکست خورده‌ای و اگر بگویی آری، دروغ گفته‌ای.<sup>۱</sup>

### مبارزه امام حسین (علیه السلام) با مروان فرماندار معاویه در حجاز

ابن جوزی می‌گوید: محمد بن اسحاق گفته است: مروان بن حکم که فرماندار بود کسی را نزد امام حسن (و امام حسین (علیه السلام)) فرستاد به او پیام دهد: مروان می‌گوید: پدر تو کسی است که در جامعه تفرقه انداخت و عثمان را کشت و علما و زهاد (خوارج) را نابود کرد.... امام حسین (علیه السلام) به نامه رسان فرمودند به مروان بگو: ای فرزند زن بدکاره که در بازار (ذی المجاز) مردم را به خود فرا می‌خواند و در بازار عکاظ، دارای پرچم (فاحشه‌گری) بود! ای فرزند آن مرد تبعیدی و نفرین شده رسول خدا ﷺ<sup>۲</sup> اکنون خود و مادر و پدرت را بشناس.<sup>۳</sup>

- 
۱. امام حسین (علیه السلام)، وارث انبیاء، ص ۳۱۸ به نقل از: احقاق الحق، ج ۱۱، ص ۹۵۹.
  ۲. حکم (پدر مروان) در کوچه‌های مدینه پشن سر پیامبر ﷺ راه می‌رفت و حضرت را مسخره می‌کرد و پیامبر او را نفرین کرده و از مدینه تبعید نمود.
  ۳. امام حسین (علیه السلام) وارث انبیاء، ص ۳۲۰.

## سخنرانی کوبنده و افشاگرانه در کنگره عظیم حج و بیان فضائل حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام)

سلیم بن قیس می گوید: (معاویه پس از احتجاج ابن عباس با او) از این تاریخ تصمیم گرفت فشار خود را بر شیعیان علی تشدید کند و آنان را بیش از پیش مورد شکنجه و آزار قرار دهد تا آنجا که مطئن شود نامی از اهل بیت و کسی از پیروان آنان باقی نمانده است و در این گیر و دار مصیبت و گرفتاری اهل کوفه بیش از دیگران بود؛ زیرا شیعیان علی (علیه السلام) در کوفه بیش از سایر نقاط بودند و طبعاً فشار پسر ابوسفیان به این شهر بیش از نقاط دیگر بود؛ لذا فرمانداری و حکومت کوفه را به زیاد بن سمیه محول نمود و بصره را ضمیمه آن ساخت. زیاد هم در مقابل این محبت معاویه و لطف فوق العاده پسر ابوسفیان، در از بین بردن شیعیان کوتاهی روا نداشت و از هر گوشه و کنار و از زیر هر سنگ و کلوخی شیعیان علی (علیه السلام) را پیدا کرد به قتل رسانید، و در دل شیعیان علی (علیه السلام) ترس و وحشت عجیبی ایجاد کرد. دست و پای آنان را قطع می کرد و چشمانشان را از کاسه سر بیرون می آورد. در نتیجه این جنایات، شیعیان علی از عراق فرار کردند و به نقاط دوردست پناهنده شدند و عقیده خود را از مردم مخفی نمودند. خلاصه در کوفه از شیعیان معروف و سرشناس کسی باقی نماند.

### بخش نامه‌های معاویه

سلیم بن قیس می‌گوید: پسر ابوسفیان به فرماندارانش دستور داد که شهادت شیعیان علی (علیه السلام) و خاندانش را قبول نکنند و مراقب باشد که اگر در محیطشان از شیعیان و طرفداران عثمان و خاندانش و از کسانی که فضایل و مناقب عثمان را نقل می‌کنند کسانی پیدا می‌شوند، در مجالس رسمی مورد احترام قرار بدهند و در اعزاز و اکرام آنان کوتاهی نکنند و آنچه از مناقب عثمان نقل می‌شود با مشخصات کامل ناقل آن حدیث به دربار معاویه در شام گزارش شود. فرمانداران طبق این دستور عمل نمودند و درباره هر کسی که جمله‌ای در فضیلت عثمان نقل می‌نمود پرونده‌ای تشکیل دادند و حقوق و مزایایی معین نمودند و این رویه سبب گردید که درباره عثمان مطالب زیادی نقل گردید؛ زیرا ناقلان این گونه حدیث‌ها از جایزه‌ها و عطیه‌های مخصوص معاویه برخوردار می‌شدند! در اثر این بذل و بخشش معاویه و تشویق حکام وی، جعل حدیث در تمام شهرهای اسلامی شیوع یافت و هر شخصی مبعوض و مطرود که نزد یکی از عمال و استانداران معاویه حدیث و فضیلتی درباره عثمان نقل می‌نمود بدون چون و چرا مقبول واقع می‌شد و اسم او در دفتر عطایا به ثبت می‌رسید و شفاعت او درباره دیگران رد نمی‌شد.



سلیم بن قیس چنین ادامه می‌دهد: معاویه پس از یک دوره نقل حدیث درباره عثمان، به استاندارانش چنین نوشت: حدیث درباره عثمان زیاد گردیده و به حد کافی به تمام نقاط مملکت رسیده. با رسیدن این بخشنامه مردم را دعوت کنید که درباره فضایل صحابه و دو خلیفه (عمر و ابوبکر) حدیث نقل کنند، و هر حدیث و فضیلتی که درباره «ابوتراب» نقل گردیده است حدیثی مشابه آن را درباره صحابه بیاورید و این کار مورد علاقه و باعث روشنی چشم من و کوییدن «ابوتراب» و شیعیان اوست. متن این نام برای مردم خوانده شد و مضمون آن در میان عموم افراد منتشر گردید، بلافاصله اخبار زیادی در مناقب صحابه که همه‌اش جعلی و عاری از حقیقت بود نقل گردید و عده‌ای در نقل چنین اخبار جدیت و کوشش فراوان به خرج دادند تا به جایی که ابن فضائل جعلی را در منابر و در ضمن خطبه نمازها برای مردم خواندند و به مسلمانان دستور داده شد که آنها را به کودکان یاد بدهند و از این فضایل به مقدار زیاد به اطفال و نوباوگان تعلیم داده شد که مانند آیات قرار در حفظ آنها کوشش کردند حتی به زنان و دختران و خدمتکاران هم این فضائل را یاد دادند و مدتی نیز به این منوال گذشت.

سلیم بن قیس باز می‌گوید: پس از گذشت مدتی معاویه به استانداران و عمالش سومین بخش نامه را بدین مضمون صادر کرد:

مراقب باشید که هر کس متهم به دوستی علی (علیه السلام) و خاندانش باشد و کوچک‌ترین دلیل بر این اتهام پیدا شود اسم او از دیوان و دفتر حقوق و مزایا محو و سهمیه او از بیت المال قطع شود. و در تعقیب این بخشنامه، بخشنامه دیگری بدین مضمون صادر نمود: هر کسی را که متهم به دوستی خاندان علی (علیه السلام) باشد، تحت فشار شدید قرار بدهید و خانه را بر سرش خراب کنید تا برای دیگران نیز عبرت باشد.

سلیم بن قیس می‌گوید: اهل عراق مخصوصاً اهل کوفه مصیبتی بزرگتر از این حادثه ندیده‌اند؛ زیرا شیعیان علی (علیه السلام) در اثر این فرمان و سختگیری‌های استانداران و حکمرانان در ترس و وحشت عجیبی به سر می‌بردند به طوری که گاهی دو نفر دوست از شیعیان علی (علیه السلام) به خانه همدیگر می‌رفتند، صاحبخانه از ترس غلام و خدمتکارانش حاضر نبود به مهمانش مطلبی بگوید مگر پس از قسم خوردن و پیمان گرفتن از خدمتکار که راز او را فاش نکند، بدین صورت حدیث‌های جعلی در نکوهش علی (علیه السلام) و خاندانش پیدا شد و محدثان و قضات و فرمانداران از همان جعلیات پیروی کردند و بدترین مردم از نظر امتحان، محدثان ریاکار و سست عقیده بودند که تظاهر به ایمان و عبادت می‌کردند و به جهت تقرب به حکام و نیل به ثروت و مال دنیا، جعل حدیث می‌نمودند تا اینکه به مرور زمان این خبرهای دروغ و

حدیث‌های جعلی به دست افراد متدین و پرهیزکار افتاد که خود را از دروغ و بهتان پروا داشتند، اما با حُسن عقیده و سادگی همان جعلیات را قبول کردند و به دیگران نقل نمودند که اگر به بطلان و جعلی بودن آنها پی می‌بردند از نقل آنها اجتناب می‌نمودند.<sup>۱</sup>

### ایراد خطبه در منی توسط امام حسین (علیه السلام)

سلیم بن قیس می‌گوید:

این فشار و اختناق همچنان ادامه داشت ولی پس از شهادت حسن بن علی (علیه السلام) بیشتر و بلا و مصیبت بزرگتر گردید و اولیای خدا در ترس دائمی و رعب شدید قرار گرفتند، زیرا یا به قتل می‌رسیدند و یا در حالت خفا و دوری از شهر و دیار خویش به سر می‌بردند و در مقابل آنان دشمنان خدا از هر جهت پیروز و در اظهار ظلم و ستم و در اعمال بدعت، خود را آزاد می‌دیدند. سلیم اضافه می‌کند: در این اوضاع و احوال و دو سال قبل از هلاکت معاویه<sup>۲</sup> حضرت حسین بن علی (علیه السلام) عزم سفر حج کرد و عبدالله بن عباس و عبدالله بن جعفر را همسفر خود انتخاب نمود و در مکه از مردان و زنان بنی هاشم و از گروه

---

۱. کتاب سلیم بن قیس، ط دارالکتب الاسلامیه، ص ۲۰۶.

۲. در بعضی از نسخ آمده: یک سال قبل از هلاکت معاویه خطبه را ایراد

نمودند.

انصار افرادی را که آن حضرت و بنی هاشم می‌شناختند دعوت به عمل آورد و به همه آنان مأموریت داد که از افراد ذی صلاح و متعهد از صحابه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و از تابعین، برای شرکت در جلسه‌ای که قرار است در منی تشکیل شود دعوت کنند. چون مدعوین تعدادشان به هزار نفر (یا بیشتر) بالغ می‌گردید، در منی و زیر خیمه حضرت حسین بن علی (علیه السلام) گرد آمدند، حضرت سخن آغاز کرد و پس از حمد و ثنای خداوند چنین آغاز فرمود:

اما بعد! شما از جنایاتی که معاویه این جبار طاغیه بر ما و شیعیان ما روا داشته آگاهید و شاهد ستمگری‌های او هستید، اینک من مطالبی را (درباره پدرم) مطرح می‌کنم که اگر درست بود تصدیق کنید و اگر نادرست بود از من نپذیرید، گفتار مرا بشنوید و سخنان مرا بنویسید و تذکرات مرا به خاطر بسپارید، آنگاه که به شهر و دیار خود مراجعت می‌کنید آنچه را که فرا گرفته‌اید به اقوام و عشیره مورد وثوق و افراد مورد اعتماد از دوستان و آشنیان خود ابلاغ کنید؛ زیرا ترس آن دارم که این آیین مندرس گردد و این مذهب حق از بین برود. ﴿وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾<sup>۱</sup>

## ۱: حدیث مواخاة

شما را به خدا آیا می‌دانید وقتی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در میان صحابه و یارانش پیمان «اخوت» می‌بست برای اخوت خویش، علی (علیه السلام) را انتخاب کند؟  
گفتند: اللهم نعم. خدایا تو را گواه می‌گیریم که درست است.

## ۲: حدیث سد ابواب

قَالَ أَنْشُدْكُمْ اللَّهَ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) اشْتَرَى مَوْضِعَ مَسْجِدِهِ وَمَنَازِلَهُ فَأَبْتَنَاهُ ثُمَّ ابْتَنَى فِيهِ عَشْرَةَ مَنَازِلَ تِسْعَةٌ لَهُ وَ جَعَلَ عَاشِرَهَا فِي وَسْطِهَا لِأَبِي ثُمَّ سَدَّ كُلَّ بَابٍ شَارِعٍ إِلَى الْمَسْجِدِ غَيْرَ بَابِهِ فَتَكَلَّمَ فِي ذَلِكَ مَنْ تَكَلَّمَ فَقَالَ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) مَا أَنَا سَدَدْتُ أَبْوَابَكُمْ وَ فَتَحْتُ بَابَهُ وَ لَكِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي بِسَدِّ أَبْوَابِكُمْ وَ فَتَحَ بَابَهُ ثُمَّ نَهَى النَّاسَ أَنْ يَنَامُوا فِي الْمَسْجِدِ غَيْرَهُ وَ كَانَ يُجَنَّبُ فِي الْمَسْجِدِ وَ مَنْزِلُهُ فِي مَنْزِلِ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) فَوَلَدَ لِرَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) وَ لَهُ فِيهِ أَوْلَادٌ قَالُوا: اللَّهُمَّ نَعَمْ.

شما را به خدا می‌دانید آن‌گاه که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) محل ساختمان مسجد و خانه خویش را خریداری و در کنار مسجد، ده حجره بنا کرد؛ نه باب از این حجره‌ها را به خود و حجره دهمی را که در وسط آنها قرار داشت به پدرم «علی» اختصاص داد سپس دستور داد درب

۳۰ / امیرالمؤمنین (علیه السلام) در کلام حضرت سیدالشهدا (علیه السلام)

همه حجره‌های مردم را که به مسجد باز می‌شد ببندند مگر درب حجره علی (علیه السلام) را، و چون بعضی از صحابه در این مورد اعتراض کردند.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: من این دستور را از پیش خود صادر نکردم، بلکه خدا چنین فرمانی به من داد، آن‌گاه مردم را از خوابیدن در مسجد منع نمود مگر علی (علیه السلام) را که حجره‌اش در داخل مسجد و در کنار حجره رسول خدا (صلی الله علیه و آله) قرار داشت و خداوند در همین منزل‌ها فرزندان را به رسول خدا و علی (علیه السلام) عطا نمود؟  
گفتند: اللهم نعم. خدایا تو را گواه می‌گیریم که درست است.

### ۳: حدیث غدیر

قَالَ أَنْشَدَكُمْ اللَّهَ أَنْ تَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَصَبَهُ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍ فَنَادَى لَهُ بِالْوَلَايَةِ وَقَالَ لِيُبَلِّغِ الشَّاهِدُ الْغَائِبَ قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ .

شما را به خدا! آیا می‌دانید که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) علی (علیه السلام) را در غدیر خم به مقام ولایت نصب کرد، سپس دستور داد که این جریان را حاضران به غائبان برسانند؟

گفتند: اللهم نعم. خدایا تو را گواه می‌گیریم که درست است.

#### ۴ : حدیث منزلت

قَالَ أَنْشَدَكُمْ اللَّهُ أ تَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ لَهُ فِي غَزْوَةِ تَبُوكَ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى وَأَنْتَ وَلِيٌّ كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ .

شما را به خدا آیا می دانید که سول خدا ﷺ به هنگام حرکت به سوی «جنگ تبوک» به علی (علیه السلام) فرمود: ای علی! تو نسبت به من همانند هارون نسبت به موسی هستی. و همچنین فرمود: تو پس از من ولی و سرپرست همه مؤمنانی؟

گفتند: اللهم نعم؛ خدایا تو را گواه می گیریم که درست است.

#### ۵ : حدیث مباحله

قَالَ أَنْشَدَكُمْ اللَّهُ أ تَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ حِينَ دَعَا النَّصَارَى مِنْ أَهْلِ نَجْرَانَ إِلَى الْمُبَاهَلَةِ لَمْ يَأْتِ إِلَّا بِهِ وَبِصَاحِبَتِهِ وَابْنَيْهِ قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ .

فرمود: شما را به خدا قسم می دهم، آیا می دانید که پیامبر ﷺ وقتی مسیحیان نجران را به مباحله دعوت کرد کسی جز او و همسرش و دو پسرش را نیاورد؟

گفتند: آری به خدا قسم.

### ۶: حدیث لوای خیبر

قَالَ أَنْشَدُكُمْ اللَّهَ أ تَعْلَمُونَ أَنَّهُ دَفَعَ إِلَيْهِ اللّوَاءَ يَوْمَ خَيْبَرَ ثُمَّ قَالَ لَأَذْفَعُهُ إِلَى رَجُلٍ يُحِبُّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَيُحِبُّ اللَّهُ وَرَسُولَهُ كَرَّارٌ غَيْرُ فَرَّارٍ يَفْتَحُهَا اللَّهُ عَلَى يَدَيْهِ قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ .

فرمود: شما را به خدا قسم می‌دهم، آیا می‌دانید که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در روز خیبر علم را به او سپرد و فرمود: «آن را به دست کسی خواهم سپرد که خدا و رسولش او را دوست دارند و او خدا و رسولش را دوست دارد. پشت سر هم حمله می‌کند و فرار نمی‌کند، و خداوند خیبر را به دست او فتح می‌کند».

گفتند: آری به خدا قسم.

### ۷: ابلاغ سوره برات

قَالَ أ تَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ بَعَثَهُ بِبِرَاءَةٍ وَقَالَ لَا يُبَلِّغُنِي إِلَّا أَنَا أَوْ رَجُلٌ مِنِّي قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ قَالَ أ تَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ لَمْ تَنْزِلْ بِهِ شِدَّةٌ قَطُّ إِلَّا قَدَمَهُ لَهَا ثِقَةٌ بِهِ وَأَنَّهُ لَمْ يَدْعُهُ بِاسْمِهِ قَطُّ إِلَّا أَنْ يَقُولَ يَا أَخِي وَادْعُوا لِي أَخِي قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ .



فرمود: آیا می‌دانید که پیامبر (صلی الله علیه و آله) او را برای ابلاغ سوره براءت فرستاد و فرمود: «از جانب من کسی جز خودم یا کسی که از من باشد نباید پیامی ابلاغ کند».

گفتند: آری به خدا قسم.

#### ۸: علی (علیه السلام) صاحب اختیار هر مؤمن

قَالَ أ تَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَضَى بَيْنَهُ وَبَيْنَ جَعْفَرٍ وَزَيْدٍ فَقَالَ لَهُ يَا عَلِيُّ أَنْتَ مِنِّي وَ أَنَا مِنْكَ وَ أَنْتَ وَلِيُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ [ وَ مُؤْمِنَةٌ ] بَعْدِي قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ .

فرمود: آیا می‌دانید که پیامبر (صلی الله علیه و آله) بین او و جعفر و زید قضاوت کرد و فرمود: «یا علی! تو از من و من از توام. و تو صاحب اختیار هر مرد و زن مؤمنی بعد از من هستی».

گفتند: آری به خدا قسم.

#### ۹: سؤال و خلوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امیرالمؤمنین (علیه السلام)

قَالَ أ تَعْلَمُونَ أَنَّهُ كَانَتْ لَهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ كُلَّ يَوْمٍ خَلْوَةٌ وَ كُلَّ لَيْلَةٍ دَخَلَةٌ إِذَا سَأَلَهُ أُعْطَاهُ وَ إِذَا سَكَتَ أَبْدَاهُ قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ .

فرمود: آیا می‌دانید که او در هر روز با پیامبر (صلی الله علیه و آله) خلوتی و در هر شب حضوری داشت، که هر گاه مطلبی می‌پرسید پاسخ می‌فرمود و هر گاه سکوت می‌کرد خود آن حضرت شروع می‌فرمود. گفتند: آری به خدا قسم.

#### ۱۰: علی (علیه السلام) بهترین اهل بیت (علیهم السلام)

قَالَ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَضَّلَهُ عَلَي جَعْفَرٍ وَ حَمْزَةَ حِينَ قَالَ لِفَاطِمَةَ (علیه السلام) زَوْجَتِكَ خَيْرَ أَهْلِ بَيْتِي أَقْدَمَهُمْ سِلْمًا وَ أَعْظَمَهُمْ حِلْمًا وَ أَكْثَرَهُمْ عِلْمًا قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ.

فرمود: آیا می‌دانید که پیامبر (صلی الله علیه و آله) او را بر جعفر و حمزه فضیلت داد آن هنگام که به فاطمه (علیها السلام) فرمود: «تو را به بهترین اهل بیتم و مقدم‌ترین آنان در اسلام و بالاترین آنان در حلم و بیشترین آنها در علم تزویج نمودم»؟

گفتند: آری به خدا قسم.

#### ۱۱: سیادت پنج تن (علیهم السلام)

قَالَ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ أَنَا سَيِّدٌ وَوَلَدِ آدَمَ وَ أَخِي عَلِيٌّ سَيِّدُ الْعَرَبِ وَ فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ ابْنَايَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در کلام حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) / ۳۵

فرمود: آیا می دانید که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «من سید فرزندان آدم هستم، و برادرم علی سید عرب، و فاطمه سیده زنان اهل بهشت، و دو پسرم حسن و حسین دو سید جوانان اهل بهشت هستند»؟  
گفتند: آری به خدا قسم.

۱۲: غسل پیامبر (صلی الله علیه و آله) به دست علی (علیه السلام)  
قَالَ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) أَمَرَهُ بِغُسْلِهِ وَأَخْبَرَهُ أَنَّ جَبْرَائِلَ يُعِينُهُ عَلَيْهِ قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ.

فرمود: آیا می دانید که پیامبر (صلی الله علیه و آله) او را دستور به غسلش داد و به او خبر داد که جبرئیل او را در غسل کمک می کند؟ گفتند: آری به خدا قسم.

۱۳: حدیث ثقلین  
قَالَ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) قَالَ فِي آخِرِ خُطْبَةِ خُطْبَتِهَا [أَيُّهَا النَّاسُ] إِنِّي تَرَكْتُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ أَهْلَ بَيْتِي فَتَمَسَّكُوا بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ.

فرمود: آیا می دانید که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در آخرین خطابه ای که برای مردم ایراد کرد فرمود: «ای مردم! من در میان شما دو چیز گرانبها باقی

گذاشتم: کتاب خدا و اهل بیت. به این دو تمسک کنید تا گمراه نشوید».

گفتند: آری به خدا قسم.

#### ۱۴: آیات و احادیث مربوط به اهل بیت (علیهم السلام)

فَلَمْ يَدْعُ شَيْئًا أَنْزَلَهُ اللَّهُ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (علیه السلام) خَاصَّةً وَ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ مِنَ الْقُرْآنِ وَ لَا عَلَى لِسَانِ نَبِيِّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) إِلَّا نَاشِدُهُمْ فِيهِ فَيَقُولُ الصَّحَابَةُ اللَّهُمَّ نَعَمْ قَدْ سَمِعْنَا وَ يَقُولُ التَّابِعِيُّ اللَّهُمَّ قَدْ حَدَّثْتَنِيهِ مَنْ أَتَقُّ بِهِ فُلَانٌ وَ فُلَانٌ.

سلیم بن قیس می گوید: حسین بن علی (علیه السلام) غیر از اینها فضائل زیادی را که درباره علی و اهل بیت او (علیهم السلام) در قرآن نازل گردیده و یا از زبان رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) شنیده شده بود بر شمرده و از حضار مجلس (آنان که از صحابه رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) بودند) می گفتند: آری. به خدا سوگند! این را شنیده ایم و تابعین (آنان که شخص رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) را ندیده بودند) می گفتند: ما هم این فضیلت را از فلان صحابه مورد وثوق و اعتماد شنیده ایم. حسین بن علی (علیه السلام) در پایان سخنانش، درباره فضائل امیرمؤمنان (علیه السلام) فرمود: شما را به خدا بگویند این را هم شنیده اید که رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) فرمود: هر کس دوستی مرا ادعا کند در

حالی که با علی (علیه السلام) دشمنی دارد دروغ گفته است؛ زیرا دوستی من با دشمنی علی (علیه السلام) در یک دل می‌گنجد. در این هنگام شخصی سؤال کرد یا رسول الله! چگونه محبت تو با دشمنی علی (علیه السلام) نمی‌سازد؟

فرمود: زیرا علی (علیه السلام) از من و من از علی (علیه السلام) هستم هر که او را دوست بدارد مرا دوست داشته و هر کس مرا دوست بدارد خدا را دوست داشته و هر که علی (علیه السلام) را دشمن بدارد با من دشمنی کرده و هر که با من دشمنی کند خدا را دشمن داشته است»<sup>۱</sup>.

و نکته آخر اینکه امام حسین (علیه السلام) در وصیت خود به برادرشان محمد حنفیه فرمودند: «أَسِيرَ بِسَيْرَةِ جَدِّي وَ أَبِي»<sup>۲</sup> و نکته مهم این است که امام حسین (علیه السلام) در کنار نام جدشان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مقید به بردن نام پدرشان امیرالمؤمنین (علیه السلام) هستند و این اشاره به فرمایش خود رسول خداست که فرمود: «وَلَوْلَا أَنْتَ يَا عَلِيُّ لَمْ يُعْرِفِ الْمُؤْمِنُونَ بَعْدِي»<sup>۳</sup>، یعنی اگر نام تو نباشد سیره مرا به نفع خودشان مغرضان تغییر می‌دهند.

---

۱. کتاب سلیم بن قیس، ج ۲، ص ۷۹۰.

۲. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹.

۳. اقبال بالاعمال الحسنه، ج ۱، ص ۵۰۷.

## منابع و مأخذ

قرآن کریم

اقبال بالاعمال الحسنه، ابن طاووس، علی بن موسی، ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.

امام حسین (علیه السلام) وارث انبیاء، مجلسی کوپایی، غلامحسین، ناشر: مؤلف، چاپ اول، ۱۳۹۷ ش.

زندگانی حضرت امام حسین (علیه السلام)، القرشی، باقر شریف، مترجم: محفوظی حسین، نشر: بنیاد معارف اسلامی، قم، مرکز نشر، ۱۳۸۰ ش.

سیره پیشوایان، پیشوایی، مهدی، مؤسسه امام صادق (علیه السلام) قم، چاپ پانزدهم، پائیز ۱۳۸۲ ش.

کتاب سلیم بن قیس، هلالی، سلیم بن قیس، ناشر: الهادی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۵ ق.

## آثار دیگر مؤلف که به زیور طبع آراسته گردیده

- ۱: رازهای نهفته در شطرنج
- ۲: خورشید مهربانی
- ۳: تحقیق و پژوهش در کلام مقام معظم رهبری دامت برکاته
- ۴: فیض ماندگار؛ شرح زندگانی و شاگردان و اساتید آیت الله فیاض قدس سره
- ۵: شمع سوزان خرابه شام. (سید مجید نبوی، مهدی آقابابایی)
- ۶: ساز و کارهای موفقیت در تبلیغ (سه سخنرانی از مرحوم آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی قدس سره)
- ۷: عبد رحمان، زندگی نامه و خاطراتی از سردار شهید عبدالرحمان کرمی
- ۸: تربیت فرزند از دیدگاه حضرت زهرا علیها السلام
- ۹: نور هفتم (میلاد مبارک امام هفتم علیه السلام در ماه ذی الحجه)
- ۱۰: آسمانی های خاکی، بر اساس زندگی برادران شهید عبدالرحمان و محمدرضا کرمی هرستانی
- ۱۱: آسمانی های خاکی، بر اساس زندگی شهید مصطفی نصرافهانی
- ۱۲: تحریف تاریخی تحلیلی پیرامون ام المؤمنین حضرت خدیجه کبری علیها السلام
- ۱۳: سخنان ناب بزرگان درباره تحقیق، پژوهش، نگارش و قلم
- ۱۴: عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی (از آثار آیت الله طیب قدس سره)

۴۰ / امیرالمؤمنین (علیه السلام) در کلام حضرت سیدالشهدا (علیه السلام)

۱۵ : دانستی‌های علمی پیرامون قاعدگی، همجنس‌گرایی، همجنس‌بازی و استمناء

۱۶ : کتابشناسی زیارت عاشورا

۱۷ : تحریفات و تصحیفات پیرامون زیارت عاشورا

۱۸ : رازهای نهان در موسیقی (جوان و موسیقی)

۱۹ : کتابشناسی حضرت رقیه (علیها السلام)

۲۰ : زیارت جوادیه (یا زیارت چهارم امام رضا (علیه السلام))

۲۱ : انواع عزاداری در سیره اهل بیت (علیهم السلام) در روایات (۷۰ نوع عزاداری).

۲۲ : روزه داری و کرونا ویروس .

۲۳ . حضرت رباب (علیها السلام) ، الگوی صبر و وفا

۲۴ . ردای سرخ ، شناختنامه شهدای مدرسه علمیه امام صادق (علیه السلام)

اصفهان (چهارباغ) ، شرح مختصری از زندگانی و وصایا ۱۴۵ شهید مدرسه) ، با همکاری گروه تحقیق و پژوهش مدرسه .

۲۵ . امیرالمؤمنین (علیه السلام) در کلام سیدالشهدا (علیه السلام) (کتاب حاضر) .

۲۶ . جایگاه قرض الحسنه در اندیشه اسلامی و راه کارهای احیاء آن در جامعه

تمامی آثار و اپلیکیشن مؤلف کمترین را در وب سایت قائمیه

( [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir) ) مطالعه و به صورت رایگان دانلود نمایید.

اللهم عجل لولیک الفرج